



گفت و گو با فرانسیس ریشارد

رئیس بخش نسخ خطی کتابخانه ملی پاریس

اکبر ایرانی قمی

اشاره: حضور مرکز نشر میراث مکتوب به عنوان تنها ناشر ایرانی در چهارمین کنگره ایران‌شناسی اروپا که در پاریس، شهریور ماه سال گذشته تشکیل شد، فرصت مناسبی بود برای معرفی مرکز و آثار منتشره و آشنایی با ایران‌شناسان ایرانی و اروپایی و نیز مراکز علمی و ادبی در پاریس. آقای دکتر فرانسیس ریشارد رئیس بخش نسخ خطی کتابخانه ملی پاریس که خود از ایران‌شناسان و کتاب‌شناسان برجسته معاصر است در مصاحبه‌ای که ضمن دیدار از کتابخانه ملی پاریس، دست داد با آقای اکبر ایرانی مدیر عامل مرکز شرکت جستند و به زبان فارسی به سؤالات ایشان پاسخ گفتند.

سخنان ایشان با حفظ شیوه بیان و با اندک ویرایش تقدیم می‌گردد. در پایان این مصاحبه از دکتر ریشارد خواسته شد شمه‌ای از

فعالیت‌های علمی خود را برای مجله بیان کنند که عیناً درج می‌شود:

ریشارد می‌گوید: بنده در سال ۱۹۴۸ در پاریس متولد شدم، پدرم استاد دانشگاه، یعنی متخصص قرون وسطای اروپایی بود. تحصیلات بنده در دو رشته بود، زبان فارسی را در مدرسه زبانهای شرقی همراه با زبان عربی آموختم و از طرف دیگر ادبیات کلاسیک لاتین و یونانی را یاد گرفتم و این رشته را تا پایان خواندم. بعداً به ایران رفتم در سال ۱۹۷۱ میلادی. به مدت یک سال در دانشگاه تهران بودم در رشته ادبیات فارسی که این به من خیلی کمک کرد و با ایران آشنا شدم. سپس مدرسه کتابداری رفتم و در آنجا کتابدار شدم. در سال ۱۹۷۵ در کتابخانه ملی پاریس به کار مشغول شدم و به زودی به بنده مسئولیت کتب خطی فارسی را دادند و از من

خواستند یک فهرست جدید تهیه کنم که این جلد اول در سال ۱۹۸۹ چاپ شد و از نظر دیگر درباره روابط ایران و اروپا، خاورمیانه و اروپا زیاد تحقیق کردم، چند تا مقاله نوشتم و یک کتاب دو جلدی درباره «رافائل دینو» این پادرو مسیحی که در اصفهان در زمان شاه عباس آمد و در سال ۱۹۸۶، این دو جلد چاپ شد.

بعداً سال دیگر ترجمه‌ای از چند شعر نظامی را چاپ کردم که برای معرفی کردن یک نسخه نفیس کتابخانه اینجا. دو سال پیش که نمایشگاهی اینجا در کتابخانه برپا شد بنده فهرستی برای این نمایشگاه به اسم شکوفه هنر ایرانی تهیه کردم که با عکسهای رنگی چاپ شد و در حال حاضر جلدهای بعدی فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی پاریس را در دست تهیه دارم.

از جنابعالی خواهش می‌کنم که گزارشی از تاریخچه تأسیس کتابخانه ملی و بخش نسخ خطی آن برای ما بفرمایید.

کتابخانه ملی پاریس یک تاریخ بسیار طولانی دارد. اولین کتابخانه، کتابخانه شاه شارل پنجم در قرون وسطی، در قرن سیزدهم میلادی بود و اکنون در کتابخانه اول در موزه لوور امروزی است. سالها بعد این کتابخانه که پر از کتب لاتین و فرانسه نفیسی است، غنی‌تر شد و در زمان فرانسوای اول در قرن شانزدهم میلادی، کتابخانه اهمیت بیشتر یافت. با ورود اولین کتب چاپی و تعداد بسیاری کتابهای ایتالیایی در زمان رنسانس، شاه فرانسه خواست که تمام کتابهای دنیا را در کتابخانه خود حفظ کند. در قرن هفدهم،

در سال ۱۶۶۰ میلادی اولین کتاب خطی فارسی وارد کتابخانه شاهان فرانسه شد. بعد از حدود بیست سال وزیر کلبرگ معروف به ونگ کوششهایی کرد. و کتابخانه ملی پاریس بیش از صدها جلد کتاب فارسی و عربی خطی داشت که اکثر آنها کتابهای نفیس علوم و تاریخ بود. این کتابها توسط مسافران، اما بیشتر توسط سفیر فرانسه در استانبول خریداری شد. یک عده دیگر کتابهای خطی توسط پادریون مبلغ مسیحی که در خاورمیانه کار می‌کردند به پاریس فرستاده شد. آنها یک سری کتب از حلب و از مصر آوردند. به طور خلاصه بگوییم که در سال ۱۷۴۰ کتابخانه سلطنتی فرانسه آغاز به کار کرد. حدوداً چهارصد جلد خطی فارسی داشت و هفتصد کتاب خطی عربی. یعنی تا آن زمان غنی‌ترین کتابخانه عمومی

کشورهای اروپایی به شمار می‌آمد. در زمان انقلاب فرانسه تمام نسخ خطی خاوری که در کتابخانه‌های مختلف سومی‌ها یا مردم اشرافی فرانسه پراکنده بود در کتابخانه ملی متمرکز شدند که در آن زمان کتابخانه سلطنتی به کتابخانه ملی تبدیل شد و در دست جمهوری فرانسه قرار گرفت. این کتابخانه تا امروز به کار خود ادامه داده است. بهترین زمان برای خرید نسخ خطی خاوری، پایان قرن هیجدهم بود که خیلی کتابها از هندوستان آورده شدند، توسط مردانی مثل آپتیل لوپرون، لوفه، کلنل ژانتی، کلنل پولیه. و قرن نوزدهم هم زمان پر رونقی بود، زمان شروع سوسیته آرتیک پاریس و زمان تدریس زبانهای خاوری و عربی در دانشگاه پاریس...

در آن زمان اهمیت به کتابهای تاریخ و کتابهای علوم بیشتر می‌دادند. بعداً در پایان قرن گذشته تحت تأثیر رمانتیسیم و تأثیر

کتابهای مقدس، به هنر کتاب و به نقاشی ایرانی علاقه پیدا کردند و در دفترهای کتابخانه ملی پاریس، کتابهای مصوری که در آن زمان خریداری شدند ثبت شده است.

ولی از پایان جنگ بین‌المللی اول، خریداری کتب خاوری کمتر شد. برای اینکه شاید زمان تدریس و تصحیح درباره کتب آسیایی گذشته بود و بودجه کتابخانه هم کمتر شده بود و البته بازار کتابهای خطی از پاریس به کشورهای انگلستان و آمریکا منتقل شد. در حال حاضر کتابخانه ملی پاریس در بخش کتب خاوری که

بخش جداگانه‌ای از بخش کتابهای اروپایی خطی، لاتین و یونانی و فرانسه است، شامل دو هزار و ششصد و چند تا جلد کتابهای خطی فارسی، هفت هزار و چند صد جلد کتابهای عربی، یکی از مهمترین کتابخانه‌های دنیا در زمینه ادب و علم عربی کلاسیک و دو هزار و چند جلد کتاب ترکی عثمانی و البته ترکی آسیای مرکزی تقریباً هیچ نداریم. فهرست نویسی از زمان قبل از انقلاب شروع شد توسط متخصصین مثل تبیز دولاکویا گالون با مردان باسواد آن زمان، هم توسط کوششهای سیلستودوساسی. اما اولین فهرست چاپی کتب خطی به زبان لاتین و خیلی کوتاه بود. یک لیست متون به زبان لاتین بود که قبل از انقلاب چاپ شد.

فهرست بلوشه بین سال ۱۹۰۵ اگر اشتباه نکنم تا سال ۱۹۳۴

در چهار جلد چاپ شد. این فهرست هنوز مورد استفاده است، اما عکس‌های کلکسیون‌هایی که ارائه می‌دهد کمی نادرست است. برای اینکه از زمان بلوشه تا امروز فهرست نویسی پیشرفت کرده، چنانکه درباره شناخت متون، شناخت زمان کتابت، و شناخت کاتبین و کاغذ و مینیاتور و اینها لازم بود یک فهرست کاملتری در اختیار متخصصین گذاشته شود. بنده و همکاران من در زمینه نسخ خطی فارسی و عربی مأمور شدیم تا یک فهرست جدید تهیه کنیم با استفاده از روشهای مورد استفاده برای نسخ خطی یونانی و لاتین یعنی کدیکولوژی و پالیوگرافی مدرن. این کار اولاً برای نسخ خطی عربی با متون مسیحی شروع شد که در سال ۱۹۶۰ دو جلدی یک

فهرست چاپ شد و بعد برای کتابهای خطی غیرمسیحی و سپس برای کتابهای فارسی که به بنده این کار گذاشته شد و از سال ۱۹۸۹ اولین جلد فهرست جدید کتب خطی فارسی چاپ شد و جلدهای بعد در دست تهیه هستند. در این فهرست نو، اعتنای خاصی به کدیکولوژی یعنی علم کتاب و کتاب‌سازی شده و کتاب‌شناسی هر چه کاملتر باشد و با شناخت ورسیونهای مختلف هر متن و نیز با توجه به فهرستهای کتابخانه‌های دیگر دنیا می‌توانید ببینید که این کاتب جای دیگر پیدا است و این متن همان ورسیون است یا خیر؟



خواهش می‌کنم درباره بخشهای مختلف کتابخانه تعداد و نوع چاپهایی که وجود دارد:

چاپ سنگی، چاپ حروفی و زمان اینها، از چه زمانی این کتابها به اصطلاح وارد کتابخانه شده توضیح بفرمایید. کتابخانه ملی پاریس، مانند کتابخانه انگلستان، مجهز به سیستم پیشرفته‌ای است که ما را مجبور می‌کند کتابهای چاپی را از کتابهای خطی جدا کنیم. در تقسیم‌بندی کتابخانه ملی پاریس، بخش کتابهای خطی منقسم به دو بخش شرقی و غربی می‌باشد: بخش جغرافیا و نقشه‌ها، بخش سکه‌ها و چیزهای نفیس و یک بخش هم کتابهای چاپی وجود دارد که از دو قرن پیش بخش نسخ خطی جدا است. هر بخش یک تالار مطالعه جدا دارد. کسانی که روی کتابهای چاپی کار می‌کنند، می‌توانند به عضویت کتابخانه در بیایند. مراجعان بخش کتب خطی که برای رساله دکتری یا برای

تحقیقات عالی کار می‌کنند، میکروفیلم در اختیار آنها قرار می‌گیرد. قسمت چاپی کتابهای فارسی کمتر مورد توجه می‌باشد، برای اینکه کتابهای چاپ سنگی کم هستند مگر کلکسیون دکتر تولوز که در تهران پزشکی بود. غیر از آنها تقریباً هیچی نیست.

افرادی که به دنبال چاپهای قدیم به زبان فارسی هستند باید به کتابخانه مدرسه زبانهای شرقی مراجعه کنند. درباره موضوعاتی که بیشتر مورد مراجعه هستند می‌توان از کتب ادبیات، تاریخ، تاریخ هنر و تاریخ علوم کمتر یاد کرد. توجه ویژه به تاریخ ادبیات و تاریخ هنر خیلی اثر کرده و کارهای مربوط به هنر نقاشی و هنر تذهیب بیشتر در دست تهیه است. دانشجویانی که می‌آیند بیشتر از خانمها هستند و مردانی که بیشتر زبان بلد نیستند درباره هنر کار می‌کنند. آنها که با ادبیات سروکار دارند به تصحیح متن بیشتر اعتنا می‌کنند.

آقای دکتر درباره فعالیت‌های تحقیقاتی این مرکز

توضیح دهید. آیا خود بخش خطی کتابخانه، بخشهایی هم در رابطه با تحقیق درباره این متون دارند؟ و آیا تشویقی هم هست برای اینکه دانشجویان پایان نامه‌های دوره‌های دکترا و کارشناسی ارشدشان را به تصحیح متون اختصاص بدهند یا نه؟

اگر می‌بایستی جواب بدهم خواهم گفت که نه. متأسفانه کتابخانه یک کتابخانه‌ای است که مرکز تحقیقات ندارد. در اینجا کتابدار مسئول فهرست نویسی است، اما غیر از کتابدار، انستیتوها یا مرکزهای غیر کتابخانه‌ای هستند که یا مربوط به دانشگاه هستند یا مربوط به «CNRS» یعنی مرکز تحقیقات ملی فرانسه هستند که با کتابخانه مشترک هستند. اما این در دست خود کتابخانه نیست که متأسفانه کتابخانه متنی را مثلاً چاپ نمی‌کند. شاید کمک می‌کند ولی خودش این کار را نمی‌کند.

چه تعداد از دانشجویان اصولاً استقبال می‌کنند از کار

تصحیح متون، از بیست سال گذشته تا الان شما یک برآوردی را بیان بفرمایید، تشکر می‌کنیم.

به نظر من این کار کاهش یافته. در حال حاضر اعتنا به متون ادبی کمتر است. توجه به متون عرفانی شاید بیشتر شده، البته خیلی از دیوانهای شعرای معروف چاپ شده‌اند و شاید چاپهای جدید بشوند. متون عرفانی، به خاطر خصوصیتی که دارند معمولاً هر هفته چند نفر می‌آیند برای تحقیقات درباره متون عرفانی و مربوط به دنیای بزرگان عرفان. ولی اخیراً برای تحقیقات درباره علوم، مثلاً نجوم شناسی، ریاضی و طب مراجعه زیاد شده است و خوب است.

درباره نحوه و چگونگی انتقال کتابها به کتابخانه، بخش

خطی اش مطالبی فرمودید. چه حجمی از این نسخه‌های خطی که به کتابخانه اهدا شده بصورت وقف است، چه حجمی خریداری شده، هزینه‌های خرید از بودجه کتابخانه بوده یا کسان دیگر هم در این زمینه کمک کردند؟ آیا هنوز هم خرید دارید؟

سؤال جالبی است، زیرا خیلی از مردم اینجا در فرانسه فکر می‌کنند که کتابخانه بیشتر از اهدا استفاده کرده. وقتی که به دفترها مراجعه می‌کنیم می‌بینیم که اکثر کتابها خریداری شده‌اند. در قبل از انقلاب فرانسه تقریباً تمام کتابها خریداری شدند. در قرن گذشته هم همینطور. بعضی وقتها مثلاً یک کتابخانه کامل مثل کتابخانه «شارل شفر» دولت بودجه خصوصی داده خریداری کرده. ولی در حال حاضر اهدا شاید بیشتر شده، یعنی تقریباً نصف نسخه‌های خطی که الآن وارد کتابخانه می‌شوند به عنوان اهدایی می‌آیند و خریداری کمتر است. به علت کمبود بودجه برای خریداری کتابهای خاوری در سال دو، سه جلد نمی‌توانیم بیشتر بخریم. علت دیگر آنکه بازار پاریس، بازار مهمی نیست. آنهایی که کتابهای فارسی می‌فروشند، اکثرأ مثل گلستان، بوستان، مثنوی و اینها که صدها جلد در دست داریم و بیشتر این خرید و فروش کتب فارسی در انگلستان صورت می‌گیرد و برای ما خریدار کردن از انگلستان مشکل است، برای اینکه ما بخش دولتی هستیم، باید چند تا امضاء بیاید، صبر کنیم، توسط سفارتخانه بخریم و این خیلی مشکل است.

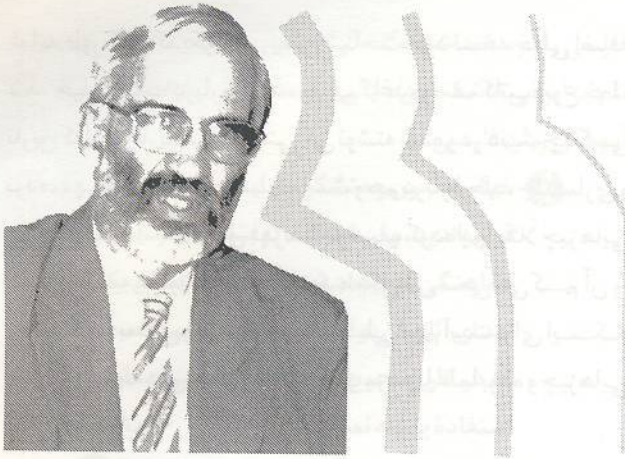
درباره نحوه ارائه خدمات به مراجعین که کسی که

نسخه‌ای را می‌خواهد چگونه شما نسخه را می‌دهید؟ سیاست امروزی به طور کلی بیشتر می‌خواهد که میکروفیلم به جای اصل نشان بدهند، اما کسی که به میکروفیلم مراجعه کرد و اشکالاتش با میکروفیلم حل نمی‌شود یا برای تحقیقات بیشتر احتیاج به اصل دارد، ما اجازه می‌دهیم تا نسخه اصلی را ببیند. همانطور برای آنها که درباره تاریخ هنر کار می‌کنند. می‌دانیم که کار کردن از روی میکروفیلم برای تاریخ هنر، چیز ساده‌ای نیست و نتیجه جالب نخواهد شد. یا مثل بعضی کتابخانه‌های دنیا که نسخه‌های خطی را عکس می‌کنند، ما هم عکس می‌دهیم.

از نظر دیگر باید گفت که می‌شود از خارج میکروفیلم سفارش کرد، یعنی کسی به کتابخانه می‌نویسد و به او میکروفیلم می‌فرستند، این برای هر کس ممکن است.

آیا در مورد خرید نسخه‌های خطی، نحوه قیمت گذاری

و معیارها را شما خودتان انجام می‌دهید و بر چه مبنایی؟



فهرستی که چاپ شده معرفی شده و در این فهرست جدیدی که خودتان تهیه کردید هم چه تعداد نسخه فهرست شده؟

نسخه‌های خطی عربی یک فهرست اسامی کامل از کتاب و مؤلفین دارند. برای فارسی وضع طور دیگری است. چهار جلد بلاشر یک فهرست در پایان جلد چهارم دارند که البته کامل نیست و بعد یک لیست دست خطی وجود دارد که در مجله نسخه‌های خطی در ایران ترجمه شد و در فهرست منزوی همین طور آمده است. اما یک فهرست اسامی کتب و اسامی مؤلفین به طور کامل چاپ نشد.

بنده یک لیست نسخه‌های خطی که تاریخ کتابت دارند، تهیه کردم، آماده است اما هنوز منتشر نشده. درباره آن فهرست سوم که فرمودید این جلد اول شامل ۳۸۸ جلد خطی است و فهرستهای اسامی کتب و غیره دارد. و من در نظر دارم تا در جلدهای بعدی یک فهرست اسامی جمع‌آوری کنم که برای استفاده و تصحیح هم آسانتر می‌شود. برای استفاده کردن از کامپیوتر اشکالاتی پیدا کردیم. کتابخانه خواست یک سیستمی مجهز داشته باشد که برای خط عربی ساده قابل اجرا نیست. زیرا سیستمهای کامپیوتری بر اساس حروف لاتین طراحی شده‌اند. ولی ما در حال مطالعه و تکمیل پروژه‌های کتابخانه هستیم.

آیا فهرس به صورت لوح فشرده (CD) هم عرضه شده؟
پروژه‌ای در دست است که پس از تهیه عکس کامپیوتری از تمام نقاشی‌هایی که در نسخه‌های خطی فارسی وجود دارد، یک لوح فشرده تهیه شود و بعد لوح فشرده فهرستها نیز آماده خواهد شد.

این فهرستی که شما چاپ کردید چه امتیازاتی نسبت به فهرستهای قبل دارد؟

اعتنای بیشتر به مشخصات متن، توجه به خصوصیات نسخه، یعنی اینکه چند قسمت دارد و در سابق یکی از متون معرفی می‌شد.

نخیر! قانون فرانسه می‌گوید که ما اجازه نداریم قیمت بگذاریم، یعنی کسیکه به ما می‌خواهد نسخه بفروشد باید به ما یک قیمت پیشنهاد بدهد که ما قبول می‌کنیم یا نه. اما اجازه نداریم که این نوع قیمت‌گذاری کنیم. یعنی اجازه داریم که به آن فروشنده بگوییم که فلان متن ارزشمند است یا نفیس نیست، ما نمی‌توانیم بیشتر بگوییم.

چه تعداد از نسخه‌هایی که در اینجا نگهداری می‌شود مربوط به قبل از قرن دهم هجری و چه تعدادی بعد از آن؟

بنده، یک آمار سرانگشتی تهیه کرده بودم. قبل از قرن هشتم نسبتاً نسخه‌های خطی کم داریم. عربیها بیشترند اما فارسی کم داریم. قدیمترین نسخه با تاریخ مال پانصد و چند است و یک فرهنگ قرن نهم. چند صد کتاب داریم که از نظر آماری مربوط به قرن دهم است، یعنی شانزدهم میلادی بعداً کمتر می‌شود، یعنی نسبت به چند کشور دیگر، کلکسیون پاریس، قدیمتر به نظر می‌رسد، برای اینکه ما بیشتر نسخ خطی را از ترکیه عثمانی خریدیم که آنجا نسخه‌های خطی قرن دهم خیلی زیاد بود.

آقای دکتر در پاریس مرکز دیگری هم هست که نسخه خطی در آن نگهداری شود؟

تقریباً نه. چند جلد در فلان کتابخانه، چند جلد در کتابخانه زبانهای شرقی، اما فرانسه کشور تمرکز است و همه به کتابخانه ملی می‌رسد. در گذشته چند کتاب خطی در «آرسنا» در «سوربن» بود، ولی از زمان ناپلئون سوم همه چیز در کتابخانه ملی، بخش خطی متمرکز شد.

این فهرستهایی که تهیه شده بر مبنای همان شماره‌گذاریهایی است که توی خود نسخه شده و به ترتیب همان انجام شده؟

الآن بله، همیشه این کار را می‌کنیم. در گذشته نبوده، اما الآن سیستم ما از روی شماره ترتیب بندی است.

تا حالا جلد اول فهرست چاپ شده فهرست دوم و سوم کی چاپ می‌شود؟

البته فهرست سوم اولین فهرست است چون فهرست لاتین خیلی کوتاه بوده، دومین مال مرحوم بلاشر است و سومین در دست تهیه است.

جلد اول چاپ شد، جلد دوم و سوم ان شاء الله دو سه سال بعد در اختیار خوانندگان خواهد بود.

درباره فهرستهای چاپ شده چه تعداد نسخ در این دو

اما به طور کلی کدیولوژی یعنی شناخت خود نسخه خیلی اضافه شد. خیلی نکات درباره کاغذ، وصف کاغذ، وصف کاتب، نوع خط، تاریخ کتابت، تاریخ نسخه یعنی کی نوشته شده و در دست چه کسی بوده، مهرهایی که در هر نسخه است و هم درباره جلد، جلدسازی و هر چه ممکن است داخل فهرست توصیف کرده ایم. مثلاً چیزهایی که در حاشیه‌ها نوشته شده، تا حد ممکن من سعی می‌کنم آن را وصف کنم. بعضی وقتها این مسأله خیلی مهم است برای اینکه خیلی از نسخه‌های خطی که در دست مردم یا علما بوده و چیزهایی بدان افزوده‌اند.

❖ آیا شما برای معرفی نسخه‌ها مجله‌ای هم دارید؟

در کتابخانه یک مجله داریم که دوبار در سال چاپ می‌شود. درباره کتابهای فارسی برای معرفی یک نسخه از شاهنامه یک مقاله چاپ شده و بیشتر مطالب آن درباره تاریخ هنر، این چیزها می‌باشد. مجله‌هایی مثل *Iranian Studies* یا *Today America* چاپ می‌کنیم.

اینجا بنده با یکی از دوستان که استاد دانشگاه است پنج سال پیش شروع کردیم یک مجله چاپ کنیم که اسمش اخباری از نسخ خطی خاورمیانه بود که دوبار در سال با چهار صفحه درباره کتاب‌شناسی نسخ خطی و کنگره‌ها و خبرهای مختلف که شامل پنجاه تا فیش که هر یک در یک برگ به اندازه ۳۴ بود به طوری که روی یک طرف آن دو تا عکس از یک نسخه خطی و روی طرف دیگر آن یک صفحه وصف آن از نظر پالئوگرافی نسخه قرار می‌گیرد: امیدواریم در آینده یک لوح فشرده از آن ارائه کنیم.

❖ سؤال من این بود که چه معیارهایی را شما برای تعیین

نسخه نفیس بیان می‌کنید؟

به طور کلی نسخه‌های خیلی نفیس را داخل مخزنهای خصوصی حفظ می‌کنیم. اما آنها که نمی‌توانیم مثلاً توی مخزنها و داخل نوعی صندوق که نسخه را از هوا جدا می‌کند. هر سال تعدادی از آنها را در آتلیه بازسازی و ترمیم می‌کنیم.

❖ کلکسیون کتابهای نفیس به تاریخ علوم و تاریخ هنر

توجه بیشتر داشته است. ما تقریباً یک تابلوی کامل مکتبهای مختلف هنر در ایران داریم.

برخی نسخه‌های نفیس داریم که به خط مؤلفان آنها یا نویسندگان مشهور است، مثلاً از بین نسخه‌های جامع التواریخ رشیدالدین یک نسخه خیلی نفیس داریم که به خط حافظ ابرو است که برای کتابخانه شاهرخ نوشته و بعداً در کتابخانه بایسنقر نقاشی‌هایی به آن اضافه شد. همچنین یک نسخه نفیس از

مجموع التواریخ داریم. البته نسخه خود مؤلف کم است. فقط نسخه‌های خوب و اصیل زیاد است.

❖ این نسخه رشیدالدین فضل‌الله کدام قسمت تاریخ او

است؟

تاریخ مغولها و بعد هم ایلخانیان که تقریباً کامل است. من نمی‌دانستم که این نسخه به خط حافظ ابرو بود. یک ژاپنی که در استانبول کار می‌کرد، چند صفحه از عکس کتاب تاریخ با امضای «حافظ ابرو» را آورد و من دیدم و با خط حافظ ابرو مقایسه کردم و برایم روشن شد.

❖ خیلی خوشحال شدم از این خبر و از همینجا هم از شما

خواهش می‌کنم که فیلمی از نسخه تاریخ رشیدالدین را برای ما ارسال کنید.

شماره این نسخه ۱۳۱۳ هست و ممکن است فیلمی را تقدیم کنم و البته اگر از لحاظ هنری ارزش داشته باشد کمی گران خواهد شد.

❖ به نظر شما متن کهن (manuscript) را تا چه تاریخی

متن می‌گویند و ما تا چه برهه‌ای از تاریخ را متن تعریف کنیم؟

در فکر من تا پایان ایلخانیه می‌شود گفت که قرون وسطایی است. بعداً زمان تیموریه یک دوره دیگر است، یعنی متون بیشتر است و روش تحقیق هم کمی عوض می‌شود. بعداً از اوایل صفویه تا زمان شاه عباس دوم، یک دوره سوم در تألیف به وجود می‌آید. و از زمان شاه عباس دوم کاملاً عوض می‌شود مثلاً برای جستجو در متون اصیل روش دیگری پیدا می‌شود، یعنی خیلی متن‌ها هست که خیلی کپی و نسخه بدل دارند. البته بعضی متون هست که بطور کلی کمیاب می‌شوند و فقط نسخه‌ای از یک کتاب به دست کاتب نوشته می‌شد. در این دوره هم روش پخش و توزیع کتاب عوض می‌شود.

❖ در مورد روش تصحیح چه شیوه‌هایی برای تصحیح

متون بهتر است؟

من متخصص این چیزها نیستم، اما خیلی به این نوع تحقیقات علاقه دارم. من فکر می‌کنم نباید اشتباه کرد و نباید هیچ نسخه قدیمی با تاریخ قدیم را نسخه بهترین پنداشت. بعضی وقتها یک نسخه قدیم نسخه خوبی نیست. گاه ممکن است یک نسخه خیلی دیرینه از روی یک نسخه خوب نوشته شده باشد. بعضی وقتها چند نسخه است که توسط کاتبین یا صاحبان کتاب تصحیح شده‌اند، در حالی که بعضی دیگر از نسخه‌ها هستند که به هیچ نوع عوض

نشده‌اند، مثلاً نسخه‌هایی که در کشورهای عثمانی کتابت شدند بعضاً بدون تصحیح کپی یا تکثیر شده‌اند.

❖ شما فکر می‌کنید که چرا شرق شناسان نسبت به

تصحیح و چاپ متون ایرانی اهتمام زیاد داشته‌اند؟

فکر می‌کنم در گذشته، گمان می‌کردند که در ایران به تاریخ خیلی اهمیت داده می‌شود. آنها در تاریخهای قدیم ایران چیزهای بسیار مهمی برای تاریخ قدیم اروپا پیدا کردند. توجه به متون زمان جنگهای صلیبی که فکر کردند از اوایل زمان مغولها تا تیموریان می‌شود اطلاعاتی پیدا کرد و بعد دیدند که بین تاریخ نویسی عربها و تاریخ نویسی ایرانیان بعضی وقتها تفاوت هست. و اینکه مورخین عربی بیشتر به تاریخ یعنی دوران می‌نویسند و مورخین ایرانی بیشتر به یک شهر یا به یک استان فکر می‌کنند.

❖ منظورم این بود که به هر حال مستشرقین و

ایران شناسان زیادی روی متون ایرانی کار کردند، مثلاً

مثنوی را نیکلسون تصحیح می‌کند، شاهنامه را ژول

مول دانشمند فرانسوی تصحیح می‌کند. آثار کهن

ایرانی را مستشرقین و ایران شناسان توجه

داشتند؛ این توجه چرا به این صورت زیاد بود و آثار

زیادی را اینها توانستند تصحیح کنند و چاپ

کنند؟

این یک داستان قدیمی است و اولین متن فارسی که به فرانسه ترجمه شد انوار سهیلی است. در زمان لویی سیزدهم یعنی ۱۶۴۰ میلادی سپس «بتی دراکوا» و آنها در پایان قرن هفدهم چند متن ترجمه کردند و مردم علاقه داشتند.

در این زمان به ایران اهمیت خاصی از نظر سیاسی می‌دادند، باید مراجعه کرد به سفر «شاردن»، «تاورنه» و اینها با تمدن ایرانی آشنا بودند و عاشق شدند. بدین علت وقتیکه در زمان

انقلاب فرانسه، مدرسه زبانهای شرقی تأسیس شد، از اولین زبانها که درس می‌دادند، عربی، فارسی بود. فارسی زبان دوم بود. این خیلی مهم است. در تمام قرن گذشته همین فکر مطرح بود که زبان فارسی از زبانهای تمدنی مهم جهانی است.

❖ خود شما چه شد که به زبان

فارسی علاقه مند شدید؟

بنده از بچگی، خیلی مینیاتور

فارسی را دوست داشتم، که یکی از پدران بزرگ من نقاش بود و چند تا چیز ایرانی داشت، من خیلی دوست داشتم و بعداً شروع کردم به آموختن زبان فارسی.

❖ خیلی ممنون و متشکرم از اینکه وقتتان را در اختیار ما

قرار دادید، و ان شاء الله که بتوانیم از این ارتباط و

هماهنگی که ایجاد شده استفاده بهتری بکنیم و ما با

اهدای آثارمان به این کتابخانه بتوانیم از نسخه‌هایی هم

که در کار تصحیح مورد نیاز ما هست سفارش بدهیم و

استفاده بهینه نماییم.

بنده هم خیلی متشکرم از کمک بزرگی که به ما می‌کنید با این

نشر متون نفیس و کمیاب، و هم خیلی متشکرم که روش جدیدی

برای چاپ کردن متون قدیم را در نظر دارید.

